



راندۀ بهشت

مروّری بر آثار «توفیق الحکیم»
داستان‌نویس مصری



سعید دهقانی

پژوهشگر جهان عرب

«شیخ علیش» عمری را در زهد و تقوا بهسر می‌برد، از تقوا هم آن سوتر؛ موی سر خود را می‌تراشید و آه در بساط نمی‌گذاشت بماند. همه عمرش در عزلت‌نشینی و عبادت خدا بهسر می‌رفت. حتی بهسان چهارپایان علف می‌خورد. از هیچ چیز و هیچ‌کس توقعی نداشت. هرآنچه داشت را وقت امور خیریه می‌کرد و خودش در نهایت پرهیزکاری از هر گناه و معصیتی، عمر می‌گذراند تا بالاخره از دنیا رفت. در جهان پس از مرگ به او گفتند: تو عمری را در پرهیزکاری و دوری از معصیت بهسر برده‌ای، این‌که هیچ‌فایده‌ای ندارد؟ شخصی به‌بهشت خواهد رفت که در برابر گناه نیز قرار بگیرد و آن‌گاه ثواب را بر گناه ترجیح دهد. اما تو ای شیخ، در برابر گناه قرار نگرفته‌ای. به بهشت نمی‌روی و در برابرش بار دیگر تورا به زمین خواهیم فرستاد تا در کالبد موجودی انسانی در برابر گناه قرار بگیری. آن‌گاه است که ما می‌توانیم تورا قضاوت کنیم که آیا موفق بوده‌ای از کوران جذابیت‌های گناه سر بلند بیرون آیی یا نه؟ او از بهشت رانده شد. پس از عمری دوری جستن از گناه و معصیت، بار دیگر به کالبد انسانی برگشت. این بار اما به‌جای مسجد، پایش به میخانه‌های قاهره و در میان حوری‌رویان باز شد. قرار است این بار «شیخ علیش» خودش را در معرض هوس‌های نفسانی قرار دهد تا ببیند آیا می‌تواند در برابر هوس می‌گساری و خوش‌باشی، همان شیخ علیش زاهد باشد یا نه؟ اصولاً آیا انسانی که تمام عمرش را در زهد و تقوا بهسر برده و حتی ذره‌ای خوشی را بر خود حرام دانسته، شایسته بهشت است؟ به‌نظر می‌آید آن‌که شایسته بهشت است، کسی است که مختار باشد؛ یعنی میان خیر و شر بتواند گزینه خیر را اختیار کند؛ پس چطوری کسی که همواره از شر گریزان بوده و تنها گزینه خیر در اختیار او بوده، می‌تواند خود را مستحق بهشت بداند. همه این‌ها بر این فرض است که خوشی‌های نفسانی را «شر» بنامیم. آن‌چه خواندید چکیده‌ای از داستان کوتاه «رانده بهشت» (به عربی: طرید الفردوس)، نوشته «توفیق الحکیم»، ادیب و داستان‌نویس شهیر مصری است. گرچه این کتاب با همین عنوان به فارسی نیز برگردان شده اما کسانی که عربی می‌دانند، خواندن اصل این متن به زبان عربی، شیرینی دیگری برایشان خواهد داشت. نویسنده، با طرح این گزاره فلسفی که «فضیلت در صورتی ارزش دارد که ما در برابر شر هم قرار بگیریم و خویشتن‌داری کنیم وگرنه زیستن در دنیایی عاری از گناه، به‌خودی‌خود فضیلت‌دینی یا اخلاقی به‌شمار نمی‌رود.» مانیفست توفیق الحکیم در بسیاری از آثار داستانی‌اش همین گزاره است. «توفیق الحکیم» گرچه عزلت‌نشینی را نکوش می‌کند اما خودش یکی از عزلت‌نشین‌ترین نویسندگان عرب بود. بیشتر وقت‌اش را به نوشتن اختصاص می‌داد و نمره سال‌هایی که او برای فرهنگ و هنر مصر تلاش می‌کرد، انبوهی از کتاب‌های ارزشمند در حوزه‌های فلسفی، تاریخی و سیاسی بود. گرافه نیست اگر این ادعا را کنیم که توفیق الحکیم، داستان هم می‌نوشت تا روح زمانه خود را در قالب روایت‌ها بازتاب دهد. همه آثار داستانی او حاوی مضامین ژرف فلسفی-اخلاقی هستند؛ مضامینی که انتقادی به باورهای خشک و سنتی جامعه آن وقت مصر بود. با این وجود در داستان‌های بلندش درون‌مایه‌های اجتماعی و ملی را نیز چاشنی کار خود می‌کرد. چرا توفیق الحکیم ترجیح می‌داد، با گرایش داشت که به مفاهیمی مثل ملت و جامعه بپردازد؟ پرسش این پاسخ را باید در زمانه‌ای جست‌وجو کرد که او در آن می‌زیست. در زمانی که او قلم می‌زد، مفهوم ملت هم نو و تازه بود، هم جذاب و پرکشش، به‌ویژه برای نویسندگان. توفیق الحکیم، زاده ۱۸۹۸ (و به‌ذكر برخی منابع دیگر ۱۹۰۲) بود. در دهه‌های سوم تا پنجم زندگی‌اش، یعنی سال‌های دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰، مدرنیسم و ملی‌گرایی در کنار هم، قلب روشنفکران و نویسندگان عرب را تسخیر کرده بود. نویسندگانی مثل توفیق الحکیم گاهی می‌کوشیدند آتش ملی‌گرایی را در دل جوامع مستعمره عربی برافروزند، گاهی هم نیش و کنایه‌ای می‌زدند بر باورهای سنتی جوامع عربی؛ از جمله آثار شاخص توفیق الحکیم که نماینده این ویژگی‌ها از هویت ادبی او هستند، می‌توان به این آثار اشاره کرد: «عوده الروح» (بازگشت جان) ۱۹۳۳ «عصفور من الشرق» (پرندۀ ای از مشرق) ۱۹۵۱. در مجموع او پنج مجموعه داستان کوتاه و پنج داستان بلند نگاشت که از مشهورترین آن‌ها می‌توان به همین «رانده بهشت» اشاره کرد.

مکاشفه زبانی کشتن

آنیما مراقبه‌ای عمیق درباره ریشه‌های خشونت و تأثیر ماندگار آن به شکل تروماست

معرفی کتاب

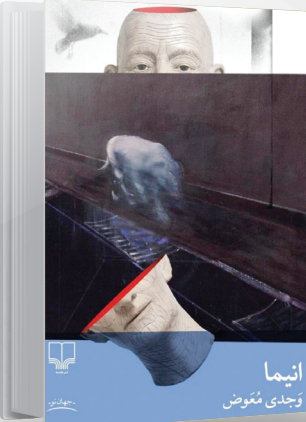
آنیما

نویسنده: وجدی معوض

مترجم: سوگل فراهانی

انتشارات: چشمه

قیمت: ۵۴۰ هزار تومان



کارل گوستاو یونگ است که به بخش ناهشیار با خود درونی راستین هر فرد گفته می‌شوند. یونگ معتقد بود که روان انسان، ذاتاً دوجنسه است و صرف‌نظر از جنسیت بیولوژیک، همه ما دارای هر دو جنبه مذکر و مونث روانی هستیم. او کهن‌الگوها را پل‌هایی می‌دانست که فرد را به لایه‌های عمیق‌تر روان و تجربیات جهان‌شمول انسانی وصل می‌کنند. در زمان نیز شخصیت اصلی در سفر از مونترال تا نیومکزیکو، با جنبه‌های ناخودآگاه و سرکوب‌شده خود مواجه می‌شود. استفاده معوض از حیوانات نیز تجلی نظریه یونگ درباره ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوست. او با حذف صدای انسان و واسپاری روایت به حیوانات، به کاوش در باب ماهیت خشونت، آسیب‌های روحی و روانی، خاطره و حافظه و مرز باریک میان انسان و حیوان می‌پردازد. مضامینی که گرچه متناقض‌نما هستند، لاجرم خواننده را با خود همراه می‌کنند. این همان ایده‌ای بود که یونگ صورت‌بندی کرده بود. یعنی حیوانات، صدای عمیق‌تر و جهان‌شمول‌تری نسبت به صدای انسانی دارند و قادرند حقایقی را منتقل کنند که شاید در غیر این صورت بیان‌نشده باشند.

▼ جنایت از چشم حیوانات

شاید بتوان بر جست‌ه‌ترین ویژگی کتاب را ساختار روایی آن دانست. داستان، به‌جز بخش‌هایی کوتاه در پایان، از طریق چشم‌ان ۵۰ حیوان روایت می‌شود. برای هر فصل نیز نام یک گونه جانوری انتخاب شده است؛ گربه، سگ، کلاغ، عنکبوت، موش، سوسک، پروانه، کرم و... همان‌ها که شاهدان خاموش و بی‌طرف جنایت هستند. درواقع معوض با این ابتکار روایی جسورانه، با فاصله‌گذاری میان واقعه و خوانندگان، بیانی بی‌طرفانه، عینیتی خالص و توصیف‌گرایی حداکثری به ماجرا می‌بخشد. حیوانات برخلاف انسان‌ها قتل، تجاوز و خشونت را نه فاجعه‌ای اخلاقی یا نفسی‌تریازیک، بلکه رویدادی حسی ثبت می‌کنند. همین تفکیک‌گرایی و وحشت صحنه‌ها را دوچندان می‌کند، چراکه خواننده بی‌پرده و بدون فیلتر احساس، با واقعیت خشونت مواجه می‌شود. معوض نیز از همین تکنیک استفاده کرده است. او گفته با انتخاب راویان حیوانی، می‌خواسته راهی برای فرار از کلیشه‌های روان‌شناختی محدودکننده در توصیف و نوشتن درباره خشونت بیابد. چنین ساختاری خواننده را از همان ابتدا محکوم به این می‌کند که از خودش بپرسد: چیزی انسان را از حیوان متمایز می‌کند؟ آیا خشونت‌گرایی انسان و میل افسارگسیخته‌اش به کشتن، او را به سطحی پایین‌تر از هر حیوان دیگری تنزل نمی‌دهد؟ حیوانات در «آنیما» اغلب براساس غریزه می‌کشنند، اما گویی رمان، سندی ادبی برای اثبات این واقعیت است که انسان‌ها با نفرتی که در جان‌شان نشسته و خوی نیک‌خواهی‌شان را کور کرده، دست به جنایت می‌زنند؛ دعوت‌نامه‌ای به ضیافت مشاهده وضعیت انسانی. با اینکه خشونت در «آنیما» بسیار زیاد است و بر خوی ازمنتقدان نیز همین مسئله را ضعف جدی رمان خوانده‌اند، ولی لحن آن بسیار شاعرانه و دقیق است و حتی در توصیف شنیع‌ترین صحنه‌ها نیز زیبایی در آن موج می‌زند. شاید بتوان معوض را نویسنده‌ای خطاب کرد که زیبایی‌شناسی تاریکی را بهتر از هر کسی می‌داند. «آنیما» اثری فراموش‌نشده است؛ رمانی که مرزهای داستان‌گویی را جابه‌جایی کند تا ما به حقیقتی هولناک درباره وضعیت انسان برسند. وجدی معوض، با شجاعتی مثال‌زدنی به تاریک‌ترین زوایای وجود انسان سرک می‌کشد و از خواننده‌اش نیز همین شجاعت را طلب می‌کند. این کتاب یک سفر سخت و دردناک است، اما برای کسانی که تا انتها آن را همراهی کنند، تجربه‌ای عمیقاً تأثیرگذار و پر معنا خواهد بود. همان‌طور که سوگل فراهانی، مترجم کتاب گفته، بعد از خواندن «آنیما» دیگر آن آدم سابق نیستید.



مسعود شاه‌حسینی

خبرنگار گروه فرهنگ

در رازنای تاریخ، ما انسان‌ها بی‌رحم‌ترین گونه‌های زیستی بوده‌ایم. نوع بشر کشته، آواره کرده، زیروزیر کرده و رنج روی رنج ساخته است. چنان هیولایی که به‌خشم می‌غرد، به‌زخم می‌درد و به فراموشی می‌سپارد. این گویاترین واقعیت بشر و چرایی آن، موضوع رمان «آنیما» از نشر چشمه است. یکی از جسورانه‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین آثار ادبیات معاصر، با ساختاری غیرمتعارف و روایتی تلخ و حزن‌آور، اثری که در مرز میان تریلی روان‌شناختی، تراژدی مدرن و مکاشفای فلسفی حرکت می‌کند و در پس‌زمینه آن، خشونت عریان و کم‌سابقه که هوش از سر می‌باید، جاری است. روایتی است از سفر مکاشفای مردی به اعماق تاریکی دنیای بیرون و هزارتوی روان خود. شهرت این اثر بیش از هر چیزی مدیون ساختار روایی منحصر به‌فرد آن است؛ کل داستان از نگاه حیوانات، پرندگان و حشراتی روایت می‌شود که در نقش شاهدان واقعه هولناک داستان، بیان می‌شود. واقعه چیست؟ قتل همسر قهرمان داستان، مردی به‌نام وحش‌دیش هنگامی که به خانه‌اش برمی‌گردد، به چشم می‌بیند که پیکر کارآجین، خون‌آلود و بی‌جان همسرش در سراسر آرمیده است. او که از این فاجعه درهم‌شکسته است، سفری را آغاز می‌کند. اما این سفر، یک جست‌وجوی پلیسی برای انتقام به‌معنای کلاسیک آن نیست. هدف او، نه کشتن قاتل، بلکه یافتن و دیدن چهره هیولا یا همان آنیماست. او می‌خواهد دریابد که چه کسی، با چه انگیزه‌ای قادر به ارتکاب چنین جنایت‌فجیعی است. این قتل، فقط یک جنایت نیست، بلکه عملیاتی جست‌وجوگرانه و سفری پرمرواز است که هر چه می‌گذرد، درونی‌تر و دردناک‌تر می‌شود. دیش در سفر خود با خاطراتی روبه‌رو می‌شود که سال‌ها سرکوب‌شان کرده بود؛ به‌ویژه خاطره یک جنایت جنگی هولناک که از نزدیک شاهدش بوده است. نویسنده به‌شکلی استادانه نشان می‌دهد که چگونه یک خشونت کوچک در بُعد فردی، بازتابی از خشونت جمعی و بزرگ‌تر (منظور جنگ داخلی) است. او درمی‌یابد، هیولایی که دنبال‌اش است، یک چهره و یک فرد نیست؛ بلکه نیرویی سهمگین در دل تاریخ است که در ذات خود بشر ریشه دارد.

▼ نویسنده‌ای که جنگ زده است

برای درک عمیق‌تر آنیما، باید خالق آن را شناخت. وجدی معوض در سال ۱۹۶۸ در لبنان به‌دنیا آمد. کودکی‌اش با شعله‌های جنگ داخلی لبنان گره خورده است. در هشت سالگی، خانواده‌اش برای فرار از جنگ ابتدا به فرانسه رفتند و چندسال بعد به کبک در کانادا مهاجرت کردند. بنای تمام‌آثاری که معوض نوشته، بر همین تجربه دوگانه جنگ و تبعید استوار شده است. او در درجه اول، نماینده نویسنده و کارگردان تئاتر است تا داستان‌نویس. موفقیت‌هایی هم که او به‌دست آورده، بیشتر برای تئاترهایش است. مثل شاهکار او، چهارگانه «خون وعده‌ها» که شامل نمایشنامه مشهور «آتش‌سوزی‌ها» است که در آن به زیبایی مضامینی چون جست‌وجوی هویت، رازهای خانوادگی، ضرب‌های روحی و روانی به‌بارت رسیده از جنگ و تقابل سرنوشت و اراده را به تصویر می‌کشد. سبک معوض - چه در تئاتر و چه در رمان - به‌شدت متأثر از تراژدی‌های یونان باستان است و این روحیه در رمان «آنیما» که هفت‌سال را صرف نوشتن آن کرده، مشهود است. بااین حال آنچه بیش از همه داینامیک کتاب را تعیین می‌کند، نظریات روان‌شناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ است. «آنیما»، به‌معنای «روح» و در کنار «آنیموس» از جمله کهن‌الگوهای اصلی روانشناسی

فصل به آنها می‌پردازد. فصل‌هایی که از آغازین روزهای شکل‌گیری روابط ویژه بین ایالات متحده با اسرائیل تا قتل عام فلسطینی‌ها، فتح فلسطین و اتفاقات بعد از آن را در برمی‌گیرند. ویر در این کتاب بی‌پروا و شفاف صحبت می‌کند و ابایی از بردن نام افراد و سازمان‌های دست‌اندرکار در پروژه تأسیس سرزمین برای صهیونیست‌ها ندارد. او با ذکر اسامی افراد بانفوذ، رسانه‌ها و سازمان‌ها تلاش می‌کند ثابت کند که گروه‌های صهیونیستی توانسته‌اند سیاست خارجی آمریکا را به‌نفع پروژه صهیونیستی در فلسطین منحرف کنند. برای مثال نقش شخصیت‌هایی مانند لوئیس براندیس، جیکوب شف، وودرو ویلسون، هری ترومن و... را شرح می‌دهد. همچنین به‌نامه‌ها، یادداشت‌ها و گزارش‌های محرمانه مقاماتی مانند دین آپسون و جورج مارشال که درباره حمایت از ایده تأسیس سرزمین برای صهیونیست‌ها هشدار داده بودند، اشاره می‌کند. این دو نفر هشدار داده بودند که حمایت از این ایده، ترسناک و به‌ضرر همه جهان و منافع ملی آمریکاست. یکی از ادعاهای نویسنده این است که رسانه‌های آمریکایی به‌شدت تحت نفوذ صهیونیسم عمل کرده‌اند و هر نقد یا گزارش مستقل از واقعیت‌های فلسطین را حذف یا نادیده گرفته‌اند. برای مثال از دوروتی تامپسون، خبرنگار مشهور آمریکایی، نام می‌برد که پس از گزارش‌هایی درباره ظلم به فلسطینی‌ها، عملاً از صحنه رسانه حذف شد. این کتاب نشان می‌دهد که چگونه پس از ۱۹۴۸، آمریکا به بزرگ‌ترین پشتیبان مالی، سیاسی و نظامی اسرائیل تبدیل شد. از دید نویسنده، این رابطه یک‌طرفه نه‌فقط از وجدان ملی آمریکا عبور کرده، بلکه زمینه‌ساز بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای و نفرت از آمریکا در جهان اسلام نیز شده است. ترجمه فارسی این کتاب، روان و خوانا است و همه افرادی که به موضوع درگیری بین اسرائیل و فلسطین علاقه‌مند هستند، می‌توانند آن را بخوانند. با وجود این، باید به این نکته دقت کرد که این کتاب برای مخاطب آمریکایی ناآگاه از تاریخ و حوادث منطقه‌ای آسیای غربی نوشته شده است. از این‌رو مطالب نوشته‌شده، باید در چنین زمینه‌ای نگریسته و خوانده شود.

▼ کتابی جالب بر انگیز، اما خواندنی

کتاب ویر، بازتاب‌های بسیار متفاوتی داشته است. در میان پژوهشگران مستقل، فعالان ضدجنگ و برخی دیپلمات‌های پیشین، کتاب با استقبال فراوانی مواجه شده است. برخی مانند سنانور جیمز ابوزرق، آن را اثری ضروری برای هر آمریکایی می‌دانند که می‌خواهد از ریشه بحران‌های خاورمیانه آگاه شود. استفان اسپنکوسکی نیز با وجود حجم کم، کتاب را دقیق، مستند و افشاگرانه توصیف کرده است. در سوی دیگر، منتقدان کتاب را دارای لحن مغرضانه، سیاه‌وسفید و حتی ضدیهود خوانده‌اند. برخی تحلیلگران هم معتقدند که تمرکز بیش از حد بر نفوذ لابی صهیونیستی، باعث نادیده گرفتن سایر عوامل سیاسی و ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی آمریکا شده است. فارغ از اینکه خواننده با نتیجه‌گیری‌های نویسنده موافق باشد یا نه، این اثر زمینه‌ای برای تأمل و بازنگری در سیاست‌های تاریخی ایالات متحده فراهم می‌کند. در دورانی که اغلب صداهای منتقد به حاشیه رانده می‌شوند، کتاب ویر، یادآور این واقعیت است که تاریخ، فقط آن چیزی نیست که قدرت‌ها روایت می‌کنند. اگرچه این اثر برای بسیاری می‌تواند تحریک‌آمیز، جنجالی یا حتی خشم‌برانگیز باشد، اما بی‌تردید خواندنی، چالش‌برانگیز و ارزشمند است؛ به‌ویژه برای کسانی که می‌خواهند نگاه دقیق‌تری به سیاست خارجی آمریکا و منشأ درگیری‌های امروز خاورمیانه داشته باشند.

دکتر هادی خانیکی در مقدمه کتاب با عنوان «رسانه‌شناسی پاکستان پنجره‌ای به سوی آشنایی میان فرهنگی» با استعانت از بیت تضمین‌شده علامه اقبال لاهوری از «گلشن راز» شیخ محمود شبستری با مطلع «که من باشم؟ مرا از من خبر کن / چه معنی دارد؟ اندر خود سفر کن»، نوشته است: «نیمه غایب از نظر»، اطلاقی مناسبی بر تصویر پاکستان در حوزه عمومی ماست. همسایه‌ای که فرهنگ، جامعه، تاریخ، سیاست و ارتباطات میان ما و او بر آمیختگی‌ها و هم‌سرنوشتی‌های فراوان سرشته شده است؛ اما به‌رغم آن هنوز ناشناخته و دور از هم مانده است. بی‌خبری از «همسایه» و آنچه در همسایگی ما می‌گذرد، ما را بی‌خبر از خویش نیز می‌کند و دایره و دامنه خودآگاهی فرهنگی را در جهان گشوده و چندساحتی امروز، تنگ و تک‌بعدی می‌سازد.

وقتی به تاریخ بازمی‌گردیم، به وضوح می‌بینیم که فقط اقلیم و جغرافیا نیست که ایران و پاکستان را در کنار هم قرار داده است؛ تمدن، فرهنگ، آیین و زبان -بیش از جغرافیا - این دو جامعه را به‌هم نزدیک کرده و درهم تنیده است.

حکایت این نزدیکی و درهم‌تنیدگی از نخستین طلیعه‌های تمدن در شبه‌قاره، یک روایت ایرانی نیست که فقط از احساس میهن‌دوستی برآمده باشد؛ حدیث تاریخ است که در معتبرترین متون تخصصی آمده است. به گفته ویل دوارنت در کتاب گرانسنگ «تاریخ تمدن»، پیشینه آشنایی و نقش آفرینی ایرانیان و مردمان شبه‌قاره در ساختن تمدنی مشترک، به دوردست تاریخ و حتی به قبل از دوره شکل‌گیری تمدن موهنجودارو می‌رود...

کتاب «نیمه غایب از نظر: رسانه‌شناسی پاکستان، پنجره‌ای به‌سوی آشنایی میان فرهنگی»، به قلم علی هادی‌لو با مقدمه هادی خانیکی، در ۲۷۲ صفحه و با قیمت ۳۹۰ هزار تومان از سوی انتشارات ثانیه منتشر شده است.